



داستان‌هایی از دوران کرون

مجموعه داستان‌های منتشر شده در مجله‌ی نیویورکر

عنوان قرارداد: نیویورکر (مجله) (New Yorker (New York, N.Y.: 1925 | عنوان و نام پدیدآور: داستان‌هایی از دوران کرونا | مجموعه داستان‌های منتشر شده در مجله نیویورکر: مترجم سحر دولتشاهی؛ تصویرگر رانیکا نیری کمان؛ ویراستار شیدا محمدطاهر.
 مشخصات نشر: تهران: چاپ و نشر نظر، ۱۴۰۰ | مشخصات ظاهری: [۱۹۲] ص. | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۳۵۰-۲ | وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 موضوع: داستان‌های کوتاه -- مجموعه‌ها | موضوع: Short stories -- Collections | شناسه افزوده: دولتشاهی، سحر، ۱۳۵۶-، مترجم
 شناسه افزوده: نیری کمان، رانیکا، ۱۳۶۴-، تصویرگر | محمدطاهر، شیدا، ویراستار | رده‌بندی کنگره: PZ۱ | رده‌بندی دیویی: ۸۳۱/۸۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۲۸۲۸۳۰ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

www.ketab.ir



خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه دهخدا، شماره ۲
 تلفن: ۸۸۸۲۸۹۰۳-۸۸۸۴۳۲۹۴-۸۸۸۴۴۱۷۸
 www.nazarpub.com info@nazarpub.com

داستان‌هایی از دوران کرونا

مجموعه داستان‌های منتشر شده در مجله نیویورکر

مترجم: سحر دولتشاهی • تصویرگر: رانیکا نیری کمان • ویراستار: شیدا محمدطاهر

طراحی جلد: روشک مافی • صفحه‌آرایی: المیرا ولی نژاد

چاپ: چاپ و نشر نظر • پیش از چاپ: سعید کاوندی • مدیر چاپ: مهدی ابراهیم

تیراژ: ۱۴۰۰ جلد • چاپ نخست: تهران، ۱۴۰۰ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۳۵۰-۲

© هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش، ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

فهرست

۹	مقدمه (ریوکا گلچن)
۱۳	بیرون (اتگار کرت)
۱۷	یک چیز (ادویج داننیکت)
۲۳	تیم (تامی اورنج)
۲۹	سیستم‌ها (چارلز یو)
۳۷	اگر آرزوها اسب بودند (دیوید میچل)
۴۷	خط ۱۹ وودستاگ / گلیسان (کارن راسل)
۵۷	دزد آماده به خدمت (میا کوتو)
۶۱	گریزدای بی‌تاب (مارکارت آتوود)
۶۷	شناسایی (ویکتور لاوال)
۷۵	یادداشت‌های بالینی (لیز مور)
۸۱	زمان مرگ، مرگ زمان (جولین فوکس)
۸۷	بهترین هم‌سفر (پائولو جاردینو)
۹۵	آسمانی چنین آبی (منی عوض)
۱۰۵	یادگاری‌ها (اندرو اوهیگن)
۱۱۱	دختری با چمدان قرمز (ریچل کوشنر)

مقدمه‌ای برای «دکامرون» ریوکا گلچن

۱۰ جوان تصمیم می‌گیرند خارج از شهر فلورانس قرنطینه شوند. سال ۱۳۴۸ است و طاعون خیارکی در شهر شیوع پیدا کرده. فرد مبتلا ابتدا در قسمت کشاله‌ی ران یا زیر بغل خیارک‌هایی درمی‌آورد و بعد روی اندام‌های بدنش لکه‌های تیره‌ای ظاهر می‌شود. بعضی‌ها موقع صبحانه خوب و سلامت‌اند، اما شام را با آبا و اجدادشان در دنیایی دیگر صرف می‌کنند. خوک‌های وحشی اجساد را بو می‌کنند و می‌درند، بعد خودشان رعشه می‌گیرند و می‌میرند. حال این جوانان فراری و قششان را چگونه پر می‌کنند؟ آن‌ها غذا می‌خورند و آواز می‌خوانند و نوبتی برای هم قصه تعریف می‌کنند. در یکی از این قصه‌ها، راهبه‌ای اشتباهی شلوار معشوقش را مانند مقنعه سرش می‌کند. در قصه‌ای دیگر، زنی دل‌شکسته در گلدانی که سر بریده‌ی معشوقش در آن است، گیاه ریحان می‌کارد. اکثر قصه‌ها لوس هستند، بعضی‌ها ناراحت‌کننده‌اند و هیچ‌کدام ربطی به طاعون یا بیماری‌های همه‌گیر ندارند. این ساختار کتاب «دکامرون» اثر جیووانی بوکاچو^۲ است؛ کتابی که نزدیک به ۷۰۰ سال از آن تجلیل شده است.

بوکاچو که خود نیز اهل فلورانس بود، احتمالاً نوشتن این کتاب را در سال ۱۳۴۹ آغاز کرده، یعنی دقیقاً همان سالی که پدرش بر اثر بیماری طاعون درگذشت. او کتاب را در عرض چند

1. Decameron

2. Giovanni Boccaccio

سال تمام می‌کند. اولین خوانندگان کتاب هم همان‌هایی هستند که شاهد مرگ تقریباً نصف هم‌شهری‌هایشان بودند. داستان‌های این کتاب عمدتاً تازه نیست و بیشتر تجسمی از قصه‌های قدیمی و آشناست. بوکاچو در پایان کتاب با لحنی طنزآمیز می‌گوید ممکن است برخی از خوانندگان او را به سبک بودن متهم کنند- با این‌که او اضافه وزن دارد- و کتابش را نخواند. این همه بازیگوشی در چنین لحظات حساسی چه معنایی دارد؟

من و خیلی‌های دیگر اواسط ماه مارس فیلم دو پنگون راک هاپری را که آزادانه در آکواریوم شیکاگو^۱ گشت می‌زدند، دیدیم. ولینگتون^۲ خیلی زود مجذوب ماهی‌های بلوگا شد. من تا آن زمان مقالات زیادی در مورد ویروس کرونای جدید خوانده بودم، اما فیلم آن پنگون‌های کنجکاو لبخند به لبم آورد و برای دقایقی حواسم را از «اخبار» پرت کرد. تازه معنای واقعی پاندمی را حس کردم. در ماه می، سه پنگون هومبولت^۳ از موزهی هنر نلسون-اتکینز^۴ در کانزاس سیتی بازدید کردند و در باهروهای خالی‌اش گشت زدند و مقابل نقاشی‌های کاراواجو^۵ ایستادند. پنگون‌ها خود مانند لاری مری، حذاب و شگفت‌انگیز بودند؛ مانند آشکار کردن واقعیتی که همیشه وجود داشته، اما به طور عجیبی با اطلاعات پنهان شده.

واقعیت را می‌شود خیلی راحت ندید، شاید به این دلیل که همیشه پیش چشمان است. دختر شش ساله‌ام نظر خاص یا سؤال‌های زیادی در مورد بیماری هم‌گیر نداشت. تنها هر چند وقت یک بار تصمیم می‌گرفت ویروس کرونا را یک میلیون تکه کرده و آن را در زمین خاک کند. این «ماجرا» به قدری برایش آزاردهنده بود که از آن طفره می‌رفت. اما وقتی حرف از تجهیزات ایمنی شخصی می‌شد، عروسک‌هایش به زره‌پوش آلومینیومی، روبان و نوار چسب مجهز می‌شدند. در مرحله‌ی بعد با توپ‌های پنبه‌ای پیچیده می‌شدند. آن‌ها درگیر نبردهایی می‌شدند که از قدرت درک من خارج بود. او بعد شیفته‌ی مجموعه کتاب‌های «بال‌های آتشین»^۶ شد. در این مجموعه، ازدهای جوان رسالت داشتند به جنگ پایان دهند.

1. Chicago Shedd Aquarium

2. Wellington

3. Humboldt

4. Nelson-Atkins Museum of Art

5. Caravaggio

6. Wings of Fire